

شریعت و نجات از دیدگاه پولس^۱

محبوبه صادق صفایی

دانشجوی دکترای ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

طاهره حاج‌ابراهیمی^۲

دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

چکیده

سخنان متناقض پولس درباره شریعت درنامه هایش، متفکران را به بحث در این باره وا داشته است. مسأله این است که پولس با آنکه خود، فریسی متعصب و شریعت مداری بوده و اعتقاد داشته که شریعت روحانی و مقدس است و همه شریعت باید انجام شود، موضوع آزادی از شریعت را مطرح می‌کند و تصریح می‌کند که هیچ‌کس با اعمال شریعت پاک و درستکار شمرده نمی‌شود. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که اگر کسی با اعمال شریعت پاک و درستکار شمرده نمی‌شود، پس چرا خداوند شریعت را عطا کرد؟ به نظر می‌رسد راز نگاه منفی پولس به شریعت در پاسخ او به این سؤال نهفته است. پولس معتقد است که اعمال شریعت، ثمره ایمان و نشانه نجات هستند ولی بدون ایمان نجات بخش نبوده بلکه سبب محکومیت و هلاکت ابدی می‌شوند و غضب الهی را بیشتر برمی‌انگیزند. بنابراین او، در این باره که چگونه انسان می‌تواند پاک و درستکار شمرده شود و نجات یابد، همواره گفته است: «از طریق مسیح» و «نه به وسیله اعمال شریعت». بحث پولس در اینجا علیه شریعت نبوده، بلکه بحثی بسیار خاص و نیازمند تبیین است. در این مقاله به بررسی دیدگاه پولس درباره شریعت و رابطه آن با نجات به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها

شریعت، ایمان، نجات، عادل شمردگی، پولس

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): thajebrahimi@yahoo.com

۱. مقدمه

پولس، متکلم و عارف برجسته مسیحی که ابتدا خود، یهودی متعصب و مخالف با مسیحیان بود، پس از حادثه‌ای که در مسیر دمشق برایش رخ داد و بر اثر تجربه عرفانی در مواجهه با مسیح، از فرقه فریسی به فرقه ناصری گرایید. این حادثه، کل نگرش پولس را تغییر داد. در واقع، تجربه پولس بر توجه او به انسان، نجات، عدالت خدا، مسیح و شریعت یهود روشنایی تازه‌ای افکند و به گفته خودش سرالهی را پس از قرن‌ها بر وی آشکار نمود. سرالهی این بود که نجات انسان و عدالت خدا را، نه در عمل به شریعت، بلکه در ایمان به مسیح باید یافت.^۱ او دیدگاه تازه‌ای در مورد انسان پیدا کرد که به نظریه گناه اولیه انجامید. او گفت که با گناه آدم همه انسان‌ها گناهکار شدند و تنها راه نجات، فیض خدا از طریق عیسی مسیح و فدیۀ اوست. پولس همچنین دیدگاه تازه‌ای نسبت به مسیح پیدا کرد که به مسیح‌شناسی خاص او منتهی شد. به اعتقاد او همان‌گونه که با گناه یک نفر همه گناهکار شدند با آمدن یک نفر، یعنی مسیح و فدیۀ او، همه از گناه و مرگ ابدی نجات می‌یابند. او مسیح را پسر یگانه خدا نامید و مسأله تثلیث را بیان کرد. پولس درباره نجات همگانی انسانها توسط مسیح سخن گفت. همچنین در دیدگاه پولس نسبت به شریعت یهود نیز تحولی ایجاد شد. او دید که برخی یهودیان با وجود پایبندی به شریعت، به مسیح‌های موعود ایمان نیاوردند و گمان کردند که با عمل به احکام شریعت، بدون ایمان، می‌توانند خدا را راضی کنند. (غلاطیان ۱۱/۵) در صورتی که همین نگهبانان شریعت بودند که به نام شریعت، مسیح‌های موعود را به عنوان جنایتکاری ملعون به اعدام محکوم نمودند. توجه به این نکته موجب شد تا جنبه منفی شریعت از نظر پولس آشکار شود.^۲ از این رو، پولس با وجود پایبندی به ده فرمان و احکام تورات، در تبلیغ خود برای غیریهودیان به روح شریعت دعوت کرد و نسخ برخی احکام ظاهری یهود را اعلام نمود (غلاطیان ۱۳/۳؛ رومیان ۲۱/۳-۲۲) پولس تأکید کرد که نجات از طریق شریعت نیست، بلکه تنها با ایمان به مسیح است. سخنان پولس درباره شریعت موجب اعتراض پطرس و حواریون دیگر شد و پس از پولس نیز سوالاتی در میان متفکران بعدی ایجاد کرد تا جایی که اعتبار شریعت نزد پولس مورد تردید قرار گرفت.

۱ Dunn, James, *The Theology of Paul the Apostle*, Michigan Cambridge, U.K. Wm. B. Eerdmans Publishing Company, 1998, p.179.

۲. کونگ، هانس، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، ص ۲۸.

حتی امروزه نیز مسألهٔ اعتبار شریعت از دیدگاه پولس، بیش از هر مسألهٔ دیگری، نه تنها میان مفسران یهودی پولس، بلکه میان مفسران مسیحی او نیز اختلاف ایجاد نموده است. این مسأله بسیار پیچیده است؛ از آن جهت که پولس در نامه‌هایش (به زبان یونانی) واژهٔ عبری «تورات» را به کار نبرده، بلکه واژهٔ یونانی «نوموس/شریعت» را به کار برده است.^۱ اما مسألهٔ این است که معلوم نیست منظور پولس از «نوموس» در نامه‌ها همواره یک معنای واحد بوده یا خیر. منظور پولس از «نوموس» معنای عام آن، یعنی تورات، بوده یا معنای خاص آن؛ یعنی هلاخایی که مبتنی بر تورات است، هرچند که هلاخای حاخامی هنوز تدوین نشده بود.^۲ پولس دربارهٔ شریعت در نامه‌ها به خصوص در نامه به رومیان و غلاتیان، سخنان بسیاری دارد، اما تنها با استفاده از ابزارهای تفسیری می‌توان تبیین کرد که او چه اندیشه‌ای دربارهٔ شریعت دارد. در این پژوهش ما بخشی از عبارات معتبر و روشن پولس را در این باره گردآوری کرده و مشخص می‌کنیم که پولس دربارهٔ چه نوع شریعتی سخن می‌گوید. این که منظور پولس از شریعت چیست و او شریعت را در چه معنایی نفی می‌کند و در چه معنایی می‌پذیرد و این که چرا او شریعت را راه نجات نمی‌داند، نیازمند توضیح است. در این مقاله به بررسی دیدگاه پولس دربارهٔ شریعت و نجات به روش توصیفی - تحلیلی پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم نجات و شریعت از دیدگاه پولس

اصطلاح نجات در کتاب مقدس برگردانی از اصطلاحات عبری و یونانی است.^۳ اصطلاح عبری نجات، «yeshuah» به معنای رها شدن از خطرات و مشکلات است.^۴ واژهٔ یونانی آن «soteria» است. این واژه به این معناست که انسانها در شرایط ناخوشایند به سر می‌برند، اما با کوشش‌های خودشان یا از طریق نوعی قدرت الهی می‌توانند در نهایت به وضعیت خوبی دست یابند. در مسیحیت، ریشهٔ این شرایط ناخوشایند، به گناه نخستین بازمی‌گردد که بنابراین، نژاد انسان از طریق گناه ازلی آدم و حوا، گرفتار شده است.^۵

۱. Kung, H., *Great Christian Thinkers*, John Bowden, Printed in the United States of America, 1994, p. 30.

۲. Ibid, p. 30.

۳. هیلنز، جان. آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه علی پاشایی، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲.

۴. Benner, J.A., "Salvation", *Ancient Hebrew Dictionary*, 1999.

۵. Smart, N., "Soteriology", *The Encyclopedia of Religion*, Macmillan Reference USA, Editor: Lindsay Jone, Thomson Gale, 1987, vol:13, p. 418.

برخی معتقدند که معنای اصلی رهایی، در واژه یونانی «*apolutrosis*» نهفته است که معنای آن خرید آزادی کسی با پرداخت بها است.^۱ آموزه رهایی به این معنا، ریشه در دین یهود و عهدعتیق دارد (نک: لاویان ۸/۹).

در عهدجدید و نامه‌های پولس نیز، آموزه رهایی^۲ به معنای «خرید یا پرداخت بها برای چیزی» است. (نک: متی ۴۴/۱۳) پولس معتقد است که برای رهایی انسان از گناه و نجات او لازم است بهایی پرداخته شود و خون مسیح، بهایی است که با آن مؤمنان از گناه خریداری شده از بندگی گناه خارج و رها گردیده‌اند.^۳ این رهایی از طریق جانشینی و نیابت مسیح است (۱ تیماتاوس ۶/۲) و نتیجه حاصل از آن تقدیس مردم و اشتیاق آنها برای انجام کارهای نیکو است. (تیطس ۲/۱۴).

از دیدگاه پولس، نجات هم مفهوم سلبی دارد که رهایی از وضعیت نامساعد موجود، یعنی گناه و محکومیت و سلطه نیروهای شر و مرگ ابدی است.^۴ و هم مفاهیم ایجابی دارد^۵ که عبارتند از: پاک و درستکار شمرده شدن یا عادل شمردگی^۶، فرزندخواندگی^۷ و خداگونه شدن.^۸ از نظر پولس، بعد سلبی و ایجابی نجات با هم در ارتباط هستند. نجات از گناه نخستین و طبیعت گناه‌آلود، آموزش و درستکاری، فرزندخواندگی و خداگونه شدن را به همراه دارد. شریعت در اصطلاح، دین یا مجموعه قوانین و احکام عملی است که خداوند برای بندگانش قرار داده است که شامل احکام فقهی و اخلاقی می‌شود.^۹ شریعت به یونانی، نوموس^{۱۰} خوانده می‌شود. نوموس به معنای رسم یا قانون و هر عملی است که از طریق رسم یا قانون،

۱. محمدیان و دیگران، دایرةالمعارف کتاب مقدس، تهران، روز نو، ۱۳۸۰، ص ۴۴۲، ۴۴۱.

۲. Redemption.

۳. همان، ص ۴۴۳.

۴. Hennessey, J., "Good Works", *New Catholic Encyclopedia*, Washington Galf Group Staff in Association with The Catholic University of America, Washington, 2019, vol.12, p. 623.

۵. McGrath, A., *Christian Theology Reader*, Edited: Alister McGrath, Anniversary Fifth Edition, 2017, p. 282.

۶. Justification.

۷. Adoption.

۸. Deification.

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۵.

۱۰. Nomos.

بنا می‌شود؛ در عهدجدید، منظور از آن فرمان یا شریعت است.^۱ نوموس یا شریعت در نامه‌های پولس، به ویژه در نامه به رومیان و غلاطیان زیاد به کار می‌رود. اما این کلمه در نامه‌ها در یک معنای واحد به کار نرفته است. گاهی معنای شریعت، تورات (پنج سفر) است.^۲ گاهی منظور کل شریعت موسوی است (رومیان ۱۹/۳)، گاهی منظور، تمام رسوم موسوی است؛ یعنی عهد عتیق (عبرانیان ۱۸-۱/۱۰) و گاهی منظور، شریعت اخلاقی (ده فرمان) است.^۳ البته این تقسیم بندی در زمان پولس نبود، اما الهی دانان مسیحی بعدها شریعت موسوی را به سه بخش: مدنی، آیینی و اخلاقی تقسیم کردند.^۴ آنها با توجه به سخنان پولس بیان کردند که شریعت آیینی و مدنی، بعد از صعود مسیح منسوخ شده (غلاطیان ۲/۳) و شریعت اخلاقی چون مربوط به نجات نوع انسان بوده، باقی مانده (رومیان ۱۹/۱، ۱۲/۲-۱۵) و بر مردم همه زمان‌ها واجب بوده و مسیح آن را استوار نموده و انجام داده است. (متی ۱۷/۵-۲۰) ساندرز^۵ معتقد است که منظور پولس از شریعت، تنخ^۶، تورات یهودی، است.^۷ از دیدگاه کونگ، تا جایی که «شریعت» حاکی از تورات باشد، به اعتقاد پولس، این شریعت، شریعت خدا، یعنی ظهور اراده خداست و شریعت خدا باقی خواهد ماند.^۸ پولس از یکسو بر مقدس و عادل بودن شریعت تأکید می‌کند (رومیان ۱۳/۷؛ ۷/۷؛ ۴/۹) و آن را با حیات پیوند می‌دهد (رومیان ۱۱، ۲/۸) و از سویی دیگر آن را با گناه و مرگ و محکومیت مرتبط می‌سازد (رومیان ۴/۱۵؛ ۲ قرنتیان ۶/۳).

نظریه پولس درباره گناه اولیه بدین معنا که گناه آدم و حوا به نسل آنها انتقال یافته و یا طبیعت گناه‌آلود به نسل آنها منتقل شده، از مبانی نجات‌شناسی پولس است. چون انسان

۱. Bromiley, G. W. "Law in the New Testament: III. Law in the Epistles", *The International Standard Bible Encyclopedia*, Published by Wm. B. Eerdmans. 1939.

۲. Ibid.

۳. مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳، ص ۵۲۱

۴. Aquinas, Th., *Summa Theologica*, First Part of the Second Part, Translated by the Fathers of English Dominican Provinces, and from The Works of John Duns Scotus, 2006, q.101, q.7, art.2; Bayes, J. F., *The Threefold Division of The Law*, Newcastle, The Christian Institute, 2004, p. 3,4.

۵. Sanders.

۶. Tanak.

۷. Sanders, E.p., *Paul and the Law and the Jewish People*, Philadelphia, Fortress Press, 1983, p.3.

۸. کونگ، ص ۲۸.

گناهکار یا انسانی که طبیعت او میل به گناه دارد نمی‌تواند اعمال شریعت را انجام دهد و درستکار شود. پس اولین گام برای رهایی، پاک شدن از گناه یا طبیعت گناه‌آلود است که تنها راه آن، ایمان به مسیح است و سپس انسان می‌تواند اعمال شریعت را انجام دهد. پولس معتقد است شریعت نمی‌تواند انسان سقوط کرده را رهایی بخشد (نک: رومیان ۶/۷-۹).

پولس در این باره که چرا شریعت چنین قدرتی ندارد، این نکته را بیان می‌کند که شریعت، امری روحانی و بیرونی، اما گناه امری جسمانی و درونی است و انسان همواره در کشمکش بین این دو قرار دارد و انسان تا در این جسم و زیر سلطه گناه است، شریعت بیرونی نمی‌تواند او را نجات دهد. چون شریعت جسمانی و درونی (گناه) قوی‌تر از شریعت بیرونی است.^۱ از این جهت انسان گاهی با آنکه می‌خواهد خوبی کند یا بدی نکند اما در عمل نمی‌تواند، بلکه عکس آن را انجام می‌دهد (نک: رومیان ۲/۷، ۲۳).

اما با آمدن مسیح و فدا شدنش در مقابل گناه آدم، آدمی با ایمان به او می‌تواند زندگی تازه‌ای به دست آورد (غلاطیان ۲/۳)؛ یک زندگی روحانی که انسان در آن هیچ تمایلی به گناه نداشته و در نتیجه به شریعت هم نیازی ندارد، بلکه با هدایت روح القدس از گناه نجات می‌یابد. (۲ قرن تیان ۶/۳)

۳. انواع شریعت در نامه‌های پولس

پولس در نامه‌های خود به طور کلی از چهار نوع شریعت سخن می‌گوید:

۳.۱. شریعت طبیعی

این شریعت مربوط به امت‌هایی است که خداوند برای آنها پیامبری با شریعت مکتوب نفرستاده است. اما آنها اعمال شریعت را بر حسب فطرت و طبیعت خدادادی خود انجام می‌دهند.^۲ «وقتی یونانیان که شریعت ندارند اعمال شریعت را به طبیعت به جا آورند اینان هر چند شریعت ندارند برای خود شریعت هستند...» (رومیان ۱۵/۲) پولس معتقد بود که آنها با اطاعت از شریعت طبیعی‌شان ثابت می‌کنند که تصویری از درستکاری در ذهنشان دارند و قوانین شریعت در قلب آنها جاری است. بنابراین کسانی که به احکام شریعت عمل می‌کنند، اگرچه

۱. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، بی‌جا، انجمن جهانی کتاب مقدس، ۱۳۷۴، رومیان ۱۴/۷-۲۰.

۲. Barth, K., *The Epistle to the Romans*, E. C. Hoskyns(trans), London, Oxford University Press, 1933, p. 65, 66.

نامختون باشند، در واقع، مختون شمرده می‌شوند (رومیان ۲/۲۶) از نظر پولس، یونانیان، نماد شریعت طبیعی هستند و از این رو، مانند یهودیان، قوم خداوند به شمار می‌آیند.^۱ همچنین یونانیان توسط شریعت طبیعی محکوم نیز می‌شوند: «بسیاری که بدون شریعت گناه کرده‌اند، بدون شریعت هم مجازات می‌شوند و همان‌گونه بسیاری که زیر شریعت گناه کرده‌اند، به وسیله شریعت داوری می‌شوند.» (رومیان ۲/۱۲)

۲.۳. شریعت یهودی

منظور از آن همان شریعت آئینی و مدنی و اخلاقی است که پولس شریعت آئینی و مدنی را نفی و شریعت اخلاقی را اثبات کرده و آن را برپا می‌دارد.

۳.۳. شریعت گناه

عقیده پولس درباره شریعت گناه (رومیان ۲/۸؛ ۲۳/۷)، این است که با خطای آدم و هبوط او، انسان‌ها شکوه و جلال الهی خود را از دست دادند و از نظر روحی دچار مرگ شدند و در نتیجه، گناه و به دنبال آن مرگ، سرنوشت محتوم آنان شد. از نظر پولس، چون مرگ پدیده‌ای فراگیر است، گناه نیز جهانی و فراگیر است. از این رو، آنچه بر جهان مسلط باشد، شریعت آن نیز بر جهان مسلط خواهد شد. به اعتقاد او، با هبوط آدم، گناه امر حاکم بر جهان شد و تا ظهور مسیح یا آدم دوم، شریعت آن نیز بر جهان مسلط خواهد بود.^۲ پولس می‌گوید: «...من به روح خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را» (رومیان ۷/۲۵).

۴.۳. شریعت ایمان

پولس تنها شریعت ایمان را اثبات می‌کند که شریعت روحانی است. با ایمان به مسیح، روح-القدس وارد زندگی انسان می‌شود و او را از سلطه گناه و شیاطین نجات داده و به او حیات تازه‌ای برای انجام کارهای نیک می‌بخشد. او خود را زیر این شریعت می‌داند: «من به واسطه شریعت (روحانی) نسبت به شریعت (جسمانی) مردم تا نسبت به خدا زیست‌کنم. با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم بعد از این لیکن نه من، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند...»

۱. Ibid, p. 66; Luther, M., *Commentary on the Epistle to the Galatians*, T. Graebner(trans), Pennsylvania, 2013, p. 205.

۲. Aquinas, Q.107, A.6.

(غلاطیان ۱۹/۲-۲۰).

در واقع آن سه شریعت، همه جسمانی هستند و پولس شریعت جسمانی را نفی می‌کند. از نظر پولس شریعت جسمانی ویژگی‌هایی دارد، از جمله این‌که: ۱. به هیچ وجه «جسم با اعمال شریعت عادل نمی‌شود» (غلاطیان ۱۶/۲) به عقیده او حسد، جدایی و دشمنی از دیگر ویژگی‌های جسمانی بودن است (اقرنتیان ۳/۳) و تمایل جسم در برابر روح است (غلاطیان ۱۷/۵) و مهم‌تر اینکه جسمانیان گناهکارند.^۱ آنها روح القدس ندارند و زیر سلطه شیاطین هستند.^۲

۴. ویژگی‌های شریعت در نامه به رومیان و غلاطیان

پولس در نامه به رومیان و غلاطیان درباره شریعت سخنان بسیاری دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۴. ۱. نامه به رومیان

پولس در نامه به رومیان، بیش از هفتاد بار کلمه شریعت را به‌کار می‌برد. او در این نامه چند ویژگی برای شریعت بیان می‌کند:

۴. ۱. ۱. شریعت به عنوان یک معیار قابل قبول

پولس ابتدا شریعت را به عنوان یک معیار مطرح می‌کند تا یکی بودن عامل محکومیت را بیان کند. او معتقد بود همان‌گونه که معاملات بین رومیان با بربریان که از قانون آنها آگاه نبودند، می‌توانست بنا بر اصول خاصی که بین آنها مشترک بود، انجام شود، ارتباط بین انسان و خدا نیز در هردو قانون الهی و طبیعی، به خاطر شباهتشان، می‌تواند برقرار شود.^۳

۴. ۱. ۲. شریعت یک معیار دست نیافتنی

یونانیانی که از اوامر وجدان خود (شریعت طبیعی) سرپیچی کرده‌اند و یهودیانی که از شریعت کامل‌تر و حیانی‌شان تخلف نموده‌اند، هردو یکسان شکست خورده‌اند. (رومیان ۲/۲) پولس در این باره یک اصل بزرگ را بیان می‌کند: «نه شنوندگان شریعت، بلکه انجام دهندگان

۱. Barth, p. 57.

۲. محمدیان و دیگران، دایرةالمعارف کتاب مقدس، ص ۴۴۶.

۳. Bromiley, III.

آن، در پیشگاه خدا عادل شمرده خواهند شد» (رومیان ۲/۱۳) هدف اصلی او در این نامه، بیان پاک و درستکار شمرده شدن با ایمان است، اما او، در اینجا تأکید می‌کند که اگر کسی پاک شدن از طریق شریعت را دارد، باید شریعت را با تمام جزئیاتش نگاه دارد. شریعت اعلام می‌کند که عمل‌کننده آن عادل می‌شود، اما صرف شنیدن آن، بدون عمل، تنها بر محکومیت می‌افزاید.^۱ شریعت یک معیار دست نیافتنی است؛ چون هیچ‌کس نمی‌تواند همواره در هر زمان و شرایطی کاملاً مطیع آن باشد.^۲ نکته این است که پولس بیشتر بر جنبه منفی شریعت تأکید می‌کند: آنان که شکست خورده‌اند، هلاک می‌شوند؛ چون دانش کافی برای محکومیت داشته‌اند.^۳

۴. ۱. ۳. همه انسان‌ها زیر محکومیت شریعت هستند

وقتی یهودیان و یونانیان، هر دو، زیرگناهند، پولس به ادعایش نزدیک می‌شود: «اکنون ما می‌دانیم که شریعت چه گفته است، گفته است که آنها زیر قانونند؛ تا هر دهانی بسته شود، و همه جهانیان زیر داوری خدا آورده شوند» (رومیان ۳/۱۹) پس، شریعت به محکومیت می‌کشانند. غیرممکن است که گناهکاری «با اعمال شریعت» پاک و درست شود؛ شریعت، نه تنها محکوم می‌کند، بلکه «دانش گناه نیز از طریق شریعت به دست می‌آید» (رومیان ۳/۲۰) شریعت نشان می‌دهد که انسان‌ها چقدر از اقتضات خدا پایین آمده‌اند. شریعت آینه‌ای است که گناهکار، ناپاکی خود را در آن می‌بیند. اما آن آینه نمی‌تواند پاک کند، اگرچه نیاز به پاک شدن را نشان می‌دهد.^۴

۴. ۱. ۴. کار رهایی بخش مسیح، درستکاری را جدا از شریعت فراهم می‌آورد

پولس نشان می‌دهد که رهایی‌بخشی بزرگ عیسی مسیح، درستکاری‌ای را فراهم می‌آورد که شریعت نتوانست فراهم کند. درستکاری‌ای که می‌تواند اقتضات شریعت را راضی‌کند، درستکاری‌ای که «جدا از شریعت» و جدا از همه کوشش‌های انسانی برای حفظ شریعت، اما

۱. Ibid; Luther, vers.16, p. 205.

۲. Tyndale, W., *Paul and the Law (1 Corinthians 15/1-4; Romans 4/4 -5)*, Printed by: Don Samdahl, 2015, p. 5.

۳. Bromiley, III.

۴. Ibid.

در عمیق‌ترین هماهنگی با اصول شریعت است و «شریعت و انبیاء» (رومیان ۲۱/۳) بر آن گواهی داده‌اند. چون درستکاری برای گناهکار، از طریق ایمان به مسیح حاصل می‌شود، پولس ادعا می‌کند که شریعت، از طریق ایمان بنا می‌شود (رومیان ۳۱/۳).

۴. ۱. ۵. برکت‌های ابراهیم، از طریق شریعت به دست نمی‌آید (پیدایش ۱۸/۱۸) و ابراهیم با ایمان، درستکار بود (پیدایش ۶/۱۵)

پولس می‌خواهد بگوید عقیدهٔ او دربارهٔ درستکار شدن با ایمان، چیز جدیدی نیست و ابراهیم در حالت نامختونی، برکت خدا را از طریق ایمان دریافت کرد و وعدهٔ بزرگ به او و نسل او، از طریق شریعت نبود، بلکه براساس ایمان بود.^۱ اهل ایمان، فرزندان ابراهیم هستند و جمیع امتها از او برکت خواهند یافت (نک: غلاطیان ۷/۳-۹) و درستکاری با ایمان است و شریعت جزء ایمان نیست. (غلاطیان ۱۱/۳-۱۲)

۴. ۱. ۶. شریعت، با خشم عمل می‌کند و بدی گناه را می‌افزاید (رومیان ۱۵/۴)

چون سرپیچی از شریعت با وجود علم و آگاهی، موجب ناخشنودی خدا و محکومیت گناهکار شده، تقصیر گناه را بیشتر می‌کند و بنابراین، خشم الهی در برابر آن افزایش می‌یابد و شریعت به معنایی به گناه تحریک می‌کند: طبیعت گناه‌آلود در برابر محدودیت‌هایی که از سوی شریعت تحمیل می‌شود، طغیان می‌کند و در واقع، تمایل انسان نسبت به آنچه منع شده، افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد معنای متن بعدی (رومیان ۲۰/۵): «و شریعت در میان آمد تا خطا زیاده گردد» این باشد. گویی زیاد شدن محدودیت‌ها، گرایش به گناه را افزایش می‌دهد و بدی پنهان در طبیعت انسان را آشکار می‌کند و حداکثر فساد قلب گناهکار و طبیعت هولناک گناه را نشان می‌دهد و بنابراین، نیاز به نجات بیشتر آشکار می‌شود. درماندگی حاصل از این بیماری، نیاز به علاج را نشان می‌دهد و تمایل به درمان ایجاد می‌کند. پس افزایش گناه، راهی برای افزایش بیشتر فیض فراهم می‌آورد.^۲ تعلیم پولس این بود که غیریهودیان و کلیسا از شریعت موسی مستثنی می‌شوند (افسسیان ۱۱/۲-۱۳؛ رومیان ۱۳-۱۴/۲، ۶-۱۳)، اما او در عین حال یاد داد که اگر آنها هم در مقابل شریعت قرار بگیرند، مجازات می‌شوند. (رومیان ۱۹/۳)

منظور پولس از خارج کردن شریعت، زیر (اسیر) شریعت بودن است، نه حفظ شریعت.

۱ Ibid.

۲. Ibid.

او گفت ما در آزادی فیض، شریعت را حفظ می‌کنیم نه زیر اسارت شریعت موسی. منظور پولس از شریعت موسوی، عقیده او درباره طبیعت انسان، گناه و پاکی و درستکاری است. از نظر او، ما گناهکاریم نه به این دلیل که شریعت را شکستیم، بلکه ما شریعت را می‌شکنیم، چون گناهکاریم؛ چون طبیعتی داریم که می‌خواهد گناه کند و در برابر خدا طغیان نماید. تنها راه برانداختن گناه، داشتن یک طبیعت جدید (روحانی) است.^۱ از نگاه پولس «اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و...» او در اینجا همه گناهان را نام می‌برد. سپس می‌گوید: «لیکن ثمره روح، محبت، خوشی و..... و پرهیزگاری است» (غلاطیان ۲۲/۵) پولس اعمال روح را اعمال تشریحی به شمار نمی‌آورد: «اگر از روح هدایت شدید زیر شریعت نیستید» (غلاطیان ۱۸/۵) ولی در عین حال اعمال روح هیچ تضادی با شریعت ندارد: «هیچ شریعتی مانع چنین اعمال نیست» (غلاطیان ۲۳/۵)

۴. ۱. ۷. شریعت در پرتو مطابقت میان آدم و مسیح (نک: رومیان ۱/۵-۲۱)

پولس میان آدم و مسیح مطابقت می‌دهد و برای ترسیم این مطابقت، به صراحت نشان می‌دهد که همان‌گونه که تخلف آدم از شریعت، محکومیت را برای نژاد او به بار آورد، اطاعت مسیح از شریعت، پاکی و درستکاری را برای انسانها به همراه می‌آورد.^۲ پولس می‌گوید: «چون بدون شریعت، گناه در جهان بود، اما اگر شریعت نباشد گناه به حساب نمی‌آید» (رومیان ۱۳/۵) این به این معنا نیست که انسانها در برابر گناهشان مسئول نبودند، یا این‌که گناه هیچ پیامدی برای آنها نداشت؛ اما پیامد گناه آنقدر نبود که به مرگ محکوم شوند. اما با گناه آدم بود که خداوند شریعت را طرح‌ریزی کرد، با آنکه این انسانها، مانند آدم، گناه نکرده بودند. (۱۴/۵) پس از گناه آدم رابطه دوستانه خدا و انسان تبدیل به رابطه حاکم و محکوم شد (نک: رومیان ۷) از نگاه پولس همین رابطه، زمینه اعطای شریعت از سوی خدا به انسان شد و این رابطه تا زمان آمدن مسیح ادامه دارد. ولی با آمدن مسیح و با ایمان به او می‌توان به رابطه تازه‌ای دست یافت و از سلطه شریعت رها شد. شریعت هم گناه را معرفی می‌کند و هم انسان را به واسطه گناهش به مرگ و هلاکت محکوم می‌کند. اما اگر شریعت نباشد انسان در صورت گناه، به مرگ و هلاکت محکوم نمی‌شود.

۱. Tyndale, p. 5.

۲. Bromiley, III.

۴. ۱. ۸. شریعت و درستکاری

آنجا که پولس از شریعت در رابطه با گناهکاری و درستکاری صحبت کرده، این دراصل معنای یهودی شریعت است. شریعت راستی و درستکاری (عمل درست و نیک) را نشان می‌دهد و انجام آن را می‌طلبد و انسان را به دلیل ناراستی و گناهکار بودن محکوم می‌کند. رهایی و نجات، عمل کردن براساس پاکی و درستی است. شریعت به درستکاری مسیح گواهی می‌دهد. درستکاری مسیح، همه اقتضائات و لوازم شریعت را فراهم می‌آورد، درعین حال (این درستکاری) به سبب فیض، از شریعت برتر است. مسیح غرامت کامل شریعت را پرداخته است. راستی و درستکاری کامل بدون شریعت، تأمین شده، و انسانها از طریق ارتباطشان با شریعت، آن را راضی نمی‌کنند بلکه از طریق ایمان، شریعت را اقتناع می‌کنند.^۱

۴. ۱. ۹. شریعت موقتی و مقدماتی است

پولس معتقد است که در نقشه اصلی خداوند برای نجات انسان، شریعت وجود نداشته و دلیل اضافه شدن آن به این نقشه، گناه انسان و «طبیعت گناه آلود» اوست.^۲ از این رو، می‌گوید: «پس شریعت چیست؟ برای تقصیرها افزوده شد» (غلاطیان ۳/۱۹). از نظر او، انسان به سبب گناه، از مقام آسمانی و «خداگونگی»، به جایگاه «بندگی و غلامی» هبوط کرده است (رومیان ۸/۱۴، ۱۶/۸) و اقتضای جایگاه جدید، اطاعت و فرمانبری است، از این رو، شریعت نیز در تاریخ زندگی بشر وارد شد.^۳ شریعت بندگی می‌آورد و با ایجاد شرایط لازم برای محکومیت، مانند دانش خوب و بد، خشم خدا را برمی‌انگیزد (رومیان ۴/۱۵، ۵/۱۳) و پاکی و درستکاری‌ای را می‌طلبد که قدرت ایجادش را ندارد (رومیان ۸/۳-۴) پس چون نجات انسان، رهایی از طبیعت فاسد و رسیدن به پاکی و درستکاری است، شریعت نمی‌تواند چاره‌او باشد، در نتیجه نمی‌تواند تمام اراده الهی برای رهایی انسان باشد، بلکه مقدمه‌ای است برای ظهور منجی اصلی.^۴ پس شریعت امری موقتی و مقدماتی است.^۵ پولس منظور خود را از موقتی بودن شریعت، با چند

۱. Ibid.

۲. McGrath, p. 440.

۳. Buttrich, G. A., *The Interpreter's Bible*, The United States of America, Edited by: George Arthur Buttrich, 1995, vol.10, p. 514.

۴. Ibid.

۵. بارکلی، ویلیام، تفسیر العهد الجديد، مصر، دارالتقافه، ج ۹، ص ۱۰۲.

تشبیه بیان می‌کند:

۴. ۱. ۹. ۱. تشبیه شریعت به شوهر

همان‌گونه‌که زن مادامی‌که شوهرش زنده است، درقید اوست، اما پس از مرگ شوهر، تعهد او نیز برداشته می‌شود، شریعت یهود نیز درگذشته همچون شوهر، صاحب اختیار شما بود، اما شما همراه مسیح، بر روی صلیب مردید،^۱ از این رو، از قید تعلق به شریعت یهود آزاد شدید و شریعت دیگر بر شما تسلط ندارد و تعهد شما به شریعت شکسته شده است. (نک: رومیان ۶/۷، ۴) «از طریق عیسی مسیح، شریعت روح زندگی، ما را از شریعت گناه و مرگ رها کرد» (رومیان ۶/ ۱۴)

۴. ۱. ۹. ۲. تشبیه شریعت به زندان

ما پیش از آمدن مسیح، در زندان احکام و قوانین مذهبی گرفتار بودیم و تنها امید ما این بود که نجات دهنده ما بیاید و ما را رهایی دهد.^۲ تشبیه شریعت به زندان از دو جهت اهمیت دارد: یکی از این جهت که در برابر خطرگناه، از انسان محافظت می‌کند و دیگر این که زندان، دلیلی بر اسارت زندانی است. به عقیده پولس، زندانی بودن و اسارت، موقتی و تا زمان رسیدن به ایمان است: «و برای آن ایمانی که می‌باید مکشوف گردد بسته شده بودیم» (غلاطیان ۳/۲۳) اما با آمدن ایمان، نقش شریعت به عنوان زندان به پایان رسیده است. چون با ظهور مسیح و ایمان به او، انسان از طبیعت گناه‌آلود رهایی یافته و از زندان بیرون آمده است.^۳ و به تعبیر بارت^۴، آن زندانی، خود زندانبان می‌شود و برای طلوع روز بازگشت مسیح پاسبانی می‌دهد.^۵

۴. ۱. ۱۰. ۱. پاکی و کمال شریعت در قلمروی خودش

از نظر پولس، شریعت به خودی خود ایرادی ندارد. شریعت فی‌نفسه خوب و مقدس و روحانی است (رومیان ۱۲/۷، ۲۰/۲، ۱۴؛ غلاطیان ۳/۲۱)، اگر برای مقاصدی که برای آن طرح

۱. Tyndale, p.5, Bromiley, III.

۲. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، غلاطیان ۳/۲۳

۳. Buttrich, vol.10, p. 504.

۴. Barth.

۵. Barth, p. 38.

ریزی شده است، به کار رود. اگر شریعت برای کنترل تخلفات مدنی و شخصی و برای بزرگ کردن تخلفات معنوی به کار رود، در این صورت نوری است شبیه به انجیل، با این تفاوت که شریعت به جای آشکار کردن فیض خدا و درستی و حیات ما، خشم خدا و گناه و مرگ ما را آشکار می‌کند. (رومیان ۱۹/۳-۲۰، ۱۳/۱۵، ۵/۴؛ غلاطیان ۱۹/۳، ۱۰؛ ۲ قرنتیان ۹/۳) و کار شریعت در اینجا به پایان می‌رسد. «برای تقصیرها افزوده شد» (غلاطیان ۱۹/۳) یعنی برای این که گناه، کوری، بدبختی، جهل، مرگ و محکومیت انسان را برایش آشکار کند.^۱ ولی شریعت نه گناه است و نه مسئول گناه. گناه در نور شریعت مقدس، نشان داده می‌شود، تا آلودگیش نمایان تر باشد، و شریعت، خود به روحانیت شناخته می‌شود. اما بدیهی است که شریعت نمی‌تواند رهایی و نجات را به همراه بیاورد.^۲ پولس به تیموتی نوشت: «اما ما می‌دانیم که شریعت خوب است اگر کسی آن را همان‌گونه که هست به کار برد، با درک این واقعیت که شریعت برای اشخاص پاک و درستکار وضع نمی‌شود، بلکه برای کسانی که طغیانگر هستند، برای بی‌خدایان و گناهکاران، برای ناپاکان... و برای هرکس که در مقابل تعلیم درست است... ایجاد می‌شود (تیموتی ۱/۸-۱۱) اما بسیاری اعتقاد دارند که خدا شریعت موسی را داد تا انسان را بهتر کند و این تفکر، نادرست و تفکری یهودی است.^۳ چون شریعت، امری مقدس و بیرونی است، اما تمایل به گناه که از طبیعت فاسد انسان منشأ می‌گیرد، امری درونی است که از اراده ناشی می‌شود و انسان به اوامر و خواسته‌های درونی خود راحت‌تر تسلیم می‌شود تا به اوامر بیرونی. از این رو، شریعت نمی‌تواند راه نجات باشد. شریعت خوب و بد را نشان می‌دهد، اما ما انسان‌ها نمی‌توانیم به آن عمل کنیم؛^۴ چون گرفتار شریعتی قوی‌تر در درون خود هستیم و آن طبیعت گناه‌آلود ماست: «زیرا برحسب انسانیت باطنی به شریعت خدا خشنودم لکن شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم...» (رومیان ۷/۲۳، ۲۲)، «پس شریعت روحانی است لکن من جسمانی هستم و همچون برده‌ای به گناه فروخته شده‌ام که آنچه می‌کنم نمی‌دانم؛ زیرا آنچه می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه کاری را که از آن نفرت دارم به جا می‌آورم. پس، در این صورت نیز، نیکویی شریعت را تصدیق می‌کنم ولی من دیگر فاعل آن نیستم...» (نک: رومیان ۷/۱۴-۲۰)

۱. Luther, chap. 3, vers.19.

۲. Bromiley, III.

۳. Tyndale, III.

۴. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، رومیان ۷/۱۴-۲۰.

بنابراین انسان‌ها به یک نجات بخش نیرومندتری نیاز دارند و آن شریعت مسیح است که آنها را نجات می‌دهد. (نک: رومیان ۱/۸-۵)

۴.۲. نامه به غلاطیان

بسیاری از یهودیان و همه مسیحیان یهودی انتظار داشتند که غلاطیان در دوره تبلیغی به قوم خدا درآیند. اما هیچ هلاخای پذیرفته شده‌ای وجود نداشت که بر شرایط عضویت و ورود آنها حاکم باشد. برخی مسیحیان یهودی فکرمی‌کردند لازم است برخی شرایط بیان شوند.^۱ این دیدگاهی است که پولس در نامه به غلاطیان به آن حمله می‌کند و آن را دیدگاه «برادران دروغین» می‌نامد (غلاطیان ۴/۲). برای فهم عبارات پولس درباره شریعت در غلاطیان، باید دو نکته را به خوبی بدانیم: یکی این که موضوع غلاطیان این نیست که آیا انسان‌ها، که کاملاً فریب خورده‌اند، می‌توانند با اعمال نیک، شایستگی کافی را برای پاک و درستکار اعلام شدن در داوری، به دست آورند یا خیر؛ بلکه بحث در مورد شرطی است که یونانیان بر اساس آن در قوم خدا وارد می‌شوند. دوم این که بیشتر مباحث پولس درباره عضویت (در قوم خدا) برگرفته از کتاب مقدس است.^۲ پولس در نامه به غلاطیان به چند نکته اشاره می‌کند:

۴.۲.۱. تأکید بر شریعت آئینی

همان‌طور که در رومیان غالباً شریعت در ارتباط با پاکی و درستکاری مورد بحث بود، در غلاطیان شریعت بیشتر در ارتباط با فیض و آزادی معنوی مطرح است و در عین حال که در رومیان بیشتر درباره شریعت اخلاقی سخن می‌گفت، در غلاطیان، بیشتر منظور شریعت موسی (ع) به طور کامل، با تأکید خاص بر شریعت آئینی است. او تباین و ناسازگاری کسانی را نشان می‌دهد که می‌دانستند با «ایمان به مسیح، پاک و درستکار شده‌اند، و نه با اعمال شریعت» (غلاطیان ۱/۶/۲)، اما می‌خواستند مسیحیان یونانی را به زندگی مطابق با شریعت یهود مجبور کنند.^۳

۴.۲.۲. شریعت آئینی شرط ورود نیست

۱. Gaston, L., "Paul and Torah", *Anti-Semitism and the Foundations of Christianity*, New York, Paulist Press, 1979, p. 56.

۲. Sanders, p. 17.

۳. Bromiley, III.

مبلغان سعی می‌کردند که نوکیشان یونانی پولس را متقاعدکنند که برای این که وارث وعده‌های کتاب مقدس باشند، باید شریعت کتاب مقدس را بپذیرند: «نوکیشان یونانی می‌توانند وارد قوم خدا شوند تنها به شرطی که ختنه شوند و شریعت را بپذیرند.» (نک: آفرینش ۹/۱۷-۱۴) مبلغان اعتقاد داشتند که کسانی که می‌خواهند پسران واقعی ابراهیم و وارثان وعده‌ها باشند، باید مانند ابراهیم عمل کنند و ختنه شده باشند. آنها به کتاب مقدس استناد می‌کردند و قوی‌ترین استدلال آنها در پیدایش (۹/۱۷-۱۴) است که خداوند به ابراهیم علیه‌السلام می‌گوید که او و ذریه‌اش باید ختنه شوند و هر مردی که ختنه نشده باشد، نابود خواهد شد. پولس می‌گفت این، شرط عضویت نیست. آنها برای عضویت تنها باید به مسیح ایمان بیاورند و لازم نیست برای عضویت، اول ختنه کنند یا برخی اعمال را انجام دهند. اما بعد از وارد شدن به دین خدا و حیات مسیحی باید مطابق فرامین الهی عمل کنند. بحث پولس در اینجا، به سود ایمان فی‌نفسه یا در برابر اعمال فی‌نفسه نیست. این بحث در برابر مجبورکردن یونانیان به ننگ داشتن شریعت موسی به منظور «پسران واقعی ابراهیم» بودن است.^۱ گویی بحث پولس دربارهٔ پاکی و درستکاری به وسیلهٔ ایمان یا به وسیلهٔ اعمال شریعت در غلاطیان^۲ و^۳ این است که یک فرد نمی‌تواند با به‌دست آوردن اعمال نیک کافی سزاوار نجات شود و با پاکی مطلوب در پیشگاه خداوند حاضر گردد. از آنجا که این عقیده مشخصهٔ یهود است، گمان می‌رود که بحث پولس دربارهٔ یهود باشد. اما مطالعهٔ عناصر یهودی چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. نکته اینجاست که بحث پولس در هر صورت اصلاً این نیست که انسان چقدر اعمال خوب باید در پیشگاه خدا حاضر کند تا در داوری درستکار اعلام شود؛ بلکه سخن پولس دربارهٔ نوکیشان یونانی اوست که برای ورود در قوم خدا باید شریعت یهود را بپذیرند یا نه.

این که پولس در این مجادله بر «ورود» تأکید می‌کند، بدین معنا نیست که لزوم ایمان به تنهایی برای ورود (به فرزند ابراهیم بودن؛ پاک و درستکار بودن) یک امر زودگذر و ناپایدار است که اهمیتی برای ادامهٔ زندگی در قوم خدا ندارد.^۲ یا ایمان، مانع عمل کردن پس از ورود است.^۳ بلکه پولس با ایمان زندگی می‌کند (غلاطیان ۲/۲۰) و ایمان باید در عشق بیان شود (غلاطیان ۶/۵) او به دنبال آن است که در ایمان محکم بماند (اقرنتیان ۱۳/۱۶) در دیدگاه

۱. Gaston, p. 56.

۲. Sanders, p.19.

۳. Ibid, p.114.

پولس اعمال شریعت از جمله ختنه فی نفسه غلط نیست. «زیرا که در عیسی مسیح نه ختنه چیز است و نه نامختونی بلکه خلقت تازه» (غلاطیان ۶/۱۵). ختنه و برخی دیگر از اعمال-شریعت زمانی کاملاً اشتباه هستند که شرط اساسی برای عضویت شوند.^۱

۴. ۲. ۳. نقش مقدماتی شریعت

از نظر پولس، شریعت در آشکار کردن گناه انسان و اعلام محکومیت او، انسان را برای پاک و درست شدن به سوی مسیح می‌کشاند. پولس در غلاطیان نیز به نقش مقدماتی شریعت اشاره کرده و برای نشان دادن آن از کلمه «لالا» استفاده می‌کند: «پس شریعت لالای ما شد تا به مسیح برساند تا از ایمان پاک و درستکار شمرده شویم» (غلاطیان ۳/۲۴)؛ لالا به دایه یا غلامی گویند که تنها مسئول نگهداری بچه از ۷-۱۹ سالگی است و پس از آن دیگر نقشی ندارد.^۲ چون از نظر پولس، شریعت زمینه را برای آمدن مسیح و نجات با ایمان فراهم کرد و با آمدن مسیح، دیگر نیازی به شریعت برای نجات نداریم: «لیکن چون ایمان آمد دیگر زبردست لالا نیستیم. زیرا همگی شما با ایمان به مسیح عیسی پسران خدا می-باشید» (غلاطیان ۳/۲۲-۲۷).

۴. ۲. ۴. حیات بخش نبودن شریعت

پولس در غلاطیان بیان می‌کند که کارکرد شریعت برای زندگی بخشیدن نیست، بلکه برای راهنمایی و هدایت کردن زندگی است. اگر شریعت می‌توانست زندگی ببخشد، شریعت موسی آنقدر کامل بود که در خدمت این هدف باشد؛ پس پاکی و درستکاری می‌توانست از شریعت باشد «اما خداوند پسرش را فرستاد تا نجات دهد، پس پاکی و درستی با شریعت نیست» (غلاطیان ۳/۲۱) شریعت وسیله‌ای برای زندگی بخشیدن به کسانی که آن را داشتند، نبود: «هرکس آن را انجام دهد در آن زندگی خواهد کرد» (غلاطیان ۳/۲۱)، انجام دادن آن، بر داشتن زندگی دلالت می‌کند و شریعت، تنها، محافظ استمرار زندگی است در صورتی که به طور کامل اطاعت شود. شریعت زندگی را کنترل می‌کند و بدان نظم می‌بخشد، اما نمی‌تواند حیات بخش باشد و زندگی را تجدید و ترمیم کند.^۳ ایمان به انسان حیات و زندگی تازه

۱. Ibid, p. 20.

۲. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه: ط. س. میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی، بی‌تا، ص ۱۶۴.

۳. Bromiley, III.

می‌بخشد و نتیجه این ایمان و زندگی جدید انجام شریعت است.^۱

۵. اعمال شریعت شرط نجات نیست

پولس عبارت «اعمال شریعت» را هشت بار به کار برده است. او تصدیق می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند با «اعمال شریعت» پاک و درست شود (غلاطیان ۱۶/۲؛ رومیان ۲۸/۳، ۲۰) و روح القدس با «اعمال شریعت» دریافت نمی‌شود، بلکه با پاسخ به دعوت ایمان (غلاطیان ۲، ۵/۳) و کسانی که از «اعمال شریعت» هستند، زیر لعنت می‌باشند (غلاطیان ۱۰/۳).

این متون، گواه آن است که پولس، پاکی و درستی و دریافت روح القدس را با «اعمال-شریعت»، در تقابل می‌داند. درباره این که چرا پولس اعمال شریعت را به عنوان ابزاری برای به دست آوردن پاکی و درستی (عادل‌شمردگی) رد می‌کند، دلایل مختلفی بیان شده است:

۵. ۱. ناتوانی از اطاعت شریعت و به دست آوردن شایستگی

برخی از متفکران، ادعا کرده‌اند که به نظر پولس «اعمال شریعت» پاک و درستکار نمی‌کند؛ چون هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال شریعت را به طور کامل انجام دهد. (پاسخ کمی)^۲

۵. ۲. تأکید بر کسب شایستگی

آر. بولتمن^۳ اگرچه با این عقیده که هیچ‌کس نمی‌تواند شریعت را مراعات کند، موافق است، اما گناه اولیه را به عنوان شرک می‌بیند، و معتقد است که این شرک، خود را درکوشش انسان برای پاک کردن خود توسط اعمال آشکار می‌کند. بنابراین انسان می‌تواند در برابر خدا فخر کند. پولس می‌خواهد عامل انحراف یهود را، که فخر فروشی به واسطه اعمال شریعت است، بردارد: «پس جای فخر کجاست. برداشته شده است. به کدام شریعت آیا به شریعت اعمال، نی، بلکه به شریعت ایمان. زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان آمرزیده و درستکار شمرده می‌شود. آیا او تنها خدای یهود است، ...» (رومیان ۲۷/۳-۳۰) او در عبارت معروفش می‌گوید، کوشش انسان برای به دست آوردن نجات، با نگاه داشتن شریعت، تنها او

۱. Sanders, p.114.

۲. Schreiner, Thomas, R., Jul., "Works of Law in Paul", *Novum Testamentum*, Published by: Brill, 1985, vol. 33, p. 217.

۳. R. Bultmann

را به گناه می‌کشاند، در واقع این کوشش، خود درنهایت، گناه است. (پاسخ کیفی)^۱ بسیاری از متفکران این نظر را پذیرفته‌اند، با این توافق که اطاعت از شریعت در ابتدا، گناه نیست، بلکه کوشش بیشتر برای اطاعت از آن، گناه‌آلود است و نشان می‌دهد که انسان سعی می‌کند در پیشگاه خدا شایستگی کسب کند. بنابراین، حتی اگر مردم، از شریعت به طور کامل اطاعت کنند، نباید آن را وسیله نجات خود بدانند.^۲

۵.۳. ناتوانی از اطاعت شریعت

یو. ویلکنز^۳ و موافقانش معتقدند که پولس از کوشش برای به دست آوردن لطف خدا با انجام کارهای خوب انتقاد نمی‌کند و آن را گناه‌آلود نمی‌داند، بلکه دلیل پولس برای رد کردن «اعمال شریعت» به عنوان راه نجات، این است که کارهای موردنیاز، ناقص هستند.^۴ نه اینکه پولس قوانین شریعت را ناقص می‌داند، اما چون عمل به تمامی احکام شریعت دشوار است، آن را برای نجات، مطمئن نمی‌داند؛ چون در قوانین یهود، بیش از ششصد قانون کوچک و بزرگ وجود دارد.^۵ و انجام دقیق تمامی اعمال شریعت یهود، محال می‌باشد (نک: غلاطیان ۲/۱۵-۱۶؛ ۱۰/۳). شریعت مستلزم اطاعت کامل است. اما کجاست کسی که بتواند اطاعت کامل را به جا آورد.^۶ شریعت موسی با تعریف و تعیین، نمی‌تواند پاک و درستکار کند، از این رو پولس، شریعت و ایمان را جدا می‌کند. در صورتی که پولس، اشتیاق یهودی را برای انجام شریعت می‌طلبد (رومیان ۲/۱۰-۳). علت مخالفت واقعی پولس با «اعمال شریعت» این است که هیچ‌کس نمی‌تواند به اندازه کافی و مناسب از «اعمال شریعت» اطاعت کند. بنابراین شریعت راه نجات نیست.^۷

۵.۴. «اعمال شریعت» بیانگر تمایز میان یهودیان و یونانیان

۱. Sanders, p.17.

۲. Schreiner, p. 220.

۳. U. Wilekens.

۴. Schreiner, p. 220.

۵. هیل، توماس، تورسون، استیفان، تفسیر کاربردی عهد جدید، آرمان رشدی، فریبرز خندانی، بی‌جا، بی‌نا. ۲۰۰۱، ص ۹۵۱.

۶. Luther, chap. 2, v.17.

۷. Schreiner, p. 233.

تعداد زیادی از دانشمندان بحث می‌کنند که پولس، اعمال شریعت را رد می‌کند؛ چون این اعمال حصارى بین یهودیان و یونانیان ایجاد می‌کند. متفکران این گروه، به طور کلی توافق دارند که علت انتقاد پولس از «کارهای شریعت» این تفکر او نیست که شریعت ممکن نیست انجام شود، و پولس مخالف این عقیده نیست که انسان باید از شریعت اطاعت کند تا نجات یابد. مشکل با «اعمال شریعت» این است که این اعمال، قوم خدا را به یهودیان اختصاص می‌دهند، با آنکه مرگ مسیح بر صلیب، نجات به واسطه ایمان، را در دسترس همه مردم، چه یهودی و چه یونانی قرار داده است.^۱ از جمله کسانی که در این باره سخن گفته‌اند، جی. دی. جی. دان^۲ است. به عقیده او، اگرچه «اعمال شریعت» به کل شریعت بازمی‌گردد، این واژه بر «اعمال هویت‌ساز» پیمان تمرکز دارد که یهود را از یونانیان جدا می‌کند، مانند: ختنه، قوانین غذا، مراعات روزهای خاص. بنابراین، وقتی پولس در مخالفت با «اعمال شریعت» صحبت می‌کند، در مخالفت با کارها به طور کلی صحبت نمی‌کند، بلکه در مخالفت با کارهای خاص پیمان که موجب تمایز بین یهود و یونانیان می‌شود، سخن می‌گوید. موضع پولس نه در برابر «عمل‌گرایی»، بلکه در برابر «ملیت‌گرایی» است.^۳ پس دلیل پولس، برای رد کردن شریعت، به عنوان راه به دست آوردن پاکی و درستکاری، نقص اطاعت کامل نیست. این موضوع، سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که امروزه عمیقاً بحث برانگیز است و آن این است که وقتی پولس در برابر کسب پاکی و درستى از طریق شریعت صحبت می‌کند، با کسانی که معتقد بودند پاکی و درستى می‌تواند با اعمال شریعت به دست آید، مقابله می‌کند. متن مهم درباره این مسأله، عبارت رومیان (۴/۳، ۲۷، ۱-۵) است.^۴ پولس در عبارت رومیان (۳/۲۷-۲۸)، فخر کردن را رد می‌کند؛ چون پاک و درست‌کار شدن، جدا از «اعمال شریعت» نسبت داده می‌شود و ممنوعیت فخر کردن به اعمال، در مورد ابراهیم (ع) و با نمونه او در عبارت رومیان (۴/۱-۵)، نشان داده شده و ثابت شده است. ارتباط خیلی نزدیک بین این دو آیه، با آیه‌ای از رومیان (۴/۲) برقرار شده که پولس می‌گوید، «اگر ابراهیم (ع) با اعمال، پاک و درست شده بود، پس دلیلی برای

۱. Ibid, p. 221-222, 215; Dunn, *Paul and the Law*, p. 539.

۲. J. D. G. Dunn.

۳. Ibid, p. 222; Dunn, *Paul and the Law*, p. 538; Hubner, H., Riches, J., *Law in Paul's Thought*, Published by T&T Clark International A continuum imprint The Tower Bulding, New York, 1986, p. 215-216.

۴. See. Hubner, p. 118-120.

فخرکردن داشت». این موازنه که بین رومیان (۲۷/۳-۲۸) و نمونه ابراهیم در رومیان (۱/۴-۵)، با سه کلمه «اعمال»، «فخرکردن» و «پاک و درست شدن» آشکارشد، دوباره در رومیان (۲/۴) آشکارمی‌شود. تنها اختلاف قابل توجه این است که «اعمال» در اینجا، بدون اضافه شریعت به کار رفته است. البته فرقشان این است که «اعمال شریعت» به اعمالی که توسط شریعت امر شده، محدود می‌شود.^۱

بسیاری از متفکران، ارتباط بین اعمال، فخرکردن و به دست آوردن پاکی و درستی را بیان کرده‌اند و معتقدند که پولس در این عبارات، در برابر تمایل به فخرکردن و شکوه و جلال در اعمال انسان، هنگام کوشش برای به دست آوردن نجات، سخن می‌گوید.^۲ منظور پولس از اعمال شریعت، کارهای خوب به طور کلی نبود، بلکه منظور او خدمت قانون‌گرایانه و ملاحظات شرعی بود که یک یهودی خوب را با «زیرشریعت‌بودن» از یونانیان جدا می‌کرد. این نگرشی است که پولس در انتقاد به «فخرکردن» یهود به آن حمله می‌کند و آن را به عنوان یک فهم انحرافیافته از اقتضائات و لوازم شریعت، و بنابراین، به عنوان سقوط زیر لعنت شریعت (غلاطیان ۱۰/۳) می‌بیند.^۳

۶. ویژگی اصلی و راه تفکر پولس درباره شریعت

این که پولس عبارات منفی و مثبت درباره شریعت به کار می‌برد یا به عبارتی سخنان ضد و نقیض در این باره می‌گوید، همواره مورد توجه متفکران بوده است و آنها توضیحات مختلفی در این باره داده‌اند. پولس برای مطالبی که درباره شریعت و نجات در شرایط بسیار مختلف خود در نامه‌هایش بیان می‌کند، دلایل مشخص و تعریف شده‌ای دارد از جمله این که: خداوند عیسی مسیح را فرستاد تا نجات همگان را فراهم آورد، از این رو، نجات برای همگان، چه یهود و چه یونانی، بر پایه «ایمان به مسیح»، یا «مرگ با مسیح» در دسترس است. پروردگار به زودی باز خواهد گشت. مسیحیان باید مطابق با اراده خداوند زندگی کنند.^۴ این مسیح‌شناسی و نجات‌شناسی و رفتارشناسی خاص پولس اهمیت زیادی در بحث‌های او درباره شریعت دارد.

۱. Ibid, p. 120.

۲. Schreiner, p. 232-233; Hubner, p.116, 119-120.

۳. Dunn, J. D. G., "Works of Law and the Curse of the Law"(Galatians 3.10- 14)", *New Testament Studies*, 1985, vol. 31, p. 538.

۴. Sanders, p. 441.

پولس قاطعانه می‌گوید که نجات از طریق مسیح است نه با شریعت. اما او هنوز باید راههای خدا برای نجات انسان را توجیه کند. او باید توضیح دهد که چرا خداوند شریعت را داد. او برای توجیه و توضیح این مطلب، شریعت را با گناه پیوند می‌دهد و این پیوند، او را به منفی‌ترین عباراتش درباره شریعت سوق می‌دهد. خلاصه مطالب پولس در غلاطیان (شریعت به پاکی و درستی نمی‌انجامد؛ چون پاکی و درستی با ایمان است. خداوند شریعت را داد تا به نجات به وسیله ایمان دلالت کند، مسیحیان شریعت را انجام می‌دهند). این عبارات، راه تفکر پولس را بیان می‌کند.^۱ در واقع محدوده این بحث که پاکی و درستی با شریعت نیست، با این موضوع در ارتباط است که چگونه یک شخص وارد پیکره نجات‌یافتگان می‌شود. آن اعمال شریعت که پولس در بیشتر بخش‌های نامه به غلاطیان و رومیان آن را نفی می‌کند، مانند: ختنه (غلاطیان ۶/۱۵؛ اقرنتیان ۷/۱۹)، روزها و غذا (رومیان ۱۴/۱-۶) به این موضوع مربوط می‌شود. اما وقتی موضوع تغییر می‌کند، گفته‌های پولس درباره شریعت نیز تغییر می‌کند. چون پولس دلیل اصلی خود را که شریعت از جانب خداوند است، حفظ می‌کند، اما همچنین به این دلیل نیز می‌پردازد که مسیح نجات می‌دهد و بنابراین شریعت نجات نمی‌دهد، بنابراین طبیعی است که باید درباره هدف خداوند از دادن شریعت و عملکرد شریعت در نقشه خداوند توضیح دهد. این مشکلی است که پولس را درگیری کند و موجب می‌شود او مشکل‌ترین عبارات را به‌کاربرد تا همچنان مطابقت شریعت با نقشه و هدف خدا را حفظ کند. در رابطه با این مشکل می‌توان به‌طور کلی گفت که پولس در اینجا شریعت را با گناه پیوند می‌دهد؛ بدین‌گونه که هر دوی شریعت و گناه را تابع هدف خداوند قرار می‌دهد. خداوند خواست تا شریعت همه را زیرگناه برده و اسیر کند، بنابراین او می‌تواند به‌طوریکسان به همه لطف کند. (غلاطیان ۳/۲۲-۲۴؛ رومیان ۵/۲۰) اما در رومیان ۷، ارتباط میان اراده خدا، گناه و شریعت تغییر می‌کند. در آیات (۷/۷-۱۳)، پولس نشان می‌دهد که گناه به‌کارگرفتن شریعت در برابر هدف خداست. شریعت (با مانع شدن از گناه) موجب گناه می‌شود، اما نیت و هدف خدا این نیست. در آیات (۷/۱۴-۲۵)، جسم یا «شریعت دیگر» است که فرد را از اطاعت شریعت بازمی‌دارد و به گناه دلالت می‌کند. اراده خداوند این است که شریعت اطاعت شود، اما آن‌انکه «در جسمند» نمی‌توانند اطاعت کنند. در هر صورت راه حل این است که خداوند پسرش را بفرستد. اما در نهایت، بنابر رومیان آیات (۲/۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۵) مسلم است که شریعت

۱. Ibid, p. 6.

یهود شریعتی است که باید به آن عمل شود. همه اینها در رومیان آیات (۲۹-۲۵/۲) خلاصه می‌شود.

اما پولس تفسیر ویژه‌ای از تقابل میان جسم و روح دارد که، ابتدا در دوم قرنتیان (۶/۳) ظاهر می‌شود؛ نخستین جایی که شریعت می‌کشد و احکام موسی، احکام مرگ (۲ قرنتیان ۷/۳) و محکومیت (۹/۳) نامیده می‌شود، ولی احکام روح (۸/۳) یا احکام پاکی و عدالت (۹/۳) حیات می‌بخشد (۶/۳). این تقابل میان شریعت و مرگ از یکسو و میان روح و حیات از سوی دیگر، شبیه عباراتی از رومیان ۲/۸ است. در رومیان ۷، پولس می‌کوشد تا هر دو را با هم جمع کند. او دلیل اولیه‌اش که، شریعت توسط خدا داده شده و خوب و نیکوست، را با دلیل جدیدش که حیات تنها از طریق مسیح است و بنابراین شریعت نمی‌تواند نجات دهد، با هم تلفیق می‌کند. به نظر می‌رسد این روش تفکری است که موجب می‌شود پولس نقشی کاملاً منفی به شریعت بدهد. از نگاه پولس احکام شریعت و اعمال جسمانی اگر از روح ایمان منشأ بگیرند نشانه پاکی و حیات و نجاتند اما اگر بدون روح ایمان باشند، تنها نشانه محکومیت و مرگند.

۷. نتیجه

به نظر می‌رسد دیدگاه منفی پولس درباره شریعت حاصل تفکرات عقلانی او نبوده، بلکه تجربه عرفانی پولس، دیدگاه او را نسبت به نجات، شریعت و مسیح تغییر داده است. پیش از آن، شریعت، مرکز الهیات پولس بود ولی پس از آن مسیح، مرکز الهیات او شد. دیدگاه منفی او درباره شریعت هنگامی شکل گرفت که او در مورد نجات و آمرزش گناهان بر مسیح تأکید کرد. پولس گفت اگر پاکی از گناه و درستکاری با عمل به شریعت حاصل می‌شد، مرگ مسیح بیهوده بود. اما خداوند پسر خویش را فرستاد تا انسان را نجات دهد. پس پاکی از گناه و درستکاری با شریعت نیست. پولس نمی‌خواست اعمال شریعت را رد یا باطل کند بلکه چون نجات را تنها با ایمان به مسیح میسر می‌دانست، برای اثبات این نظر، منفی‌ترین عبارات را درباره شریعت به کار گرفت و آن را با گناه و مرگ پیوند داد و آن را موجب شناخت گناه و حتی افزایش گناه معرفی کرد. او گفت شریعت موجب حیات نمی‌شود. نجات از گناه و رسیدن به حیات ابدی تنها از طریق مسیح و ایمان به او خواهد بود، اگرچه نجات‌یافتگان قطعاً به شریعت خدا عمل خواهند کرد. اعمال نیک شریعت ثمرات نجات از طریق فیض مسیح هستند. تأکید بر مسیح در امر نجات، موجب شد که پولس در نقشه خدا برای نجات، جایگاه دوم را برای شریعت مطرح کند و این جایگاه را توجیه نماید. اما او هیچگاه توجیهات خود

درباره شریعت را به خداوند نسبت نداد؛ بدین معنا که او اگرچه شریعت را درکنار گناه و مرگ قرار داد اما شریعت را با آنها یکی ندانست، بلکه از نظر او، این گناه بود که از شریعت سود جست. از طرفی بسیاری از مطالبی که پولس درباره شریعت نوشت، زیریک چارچوب قرار می‌گیرد که می‌توان آن را «واردشدن به» و «باقی ماندن در» آن نامید. او معتقد بود برای واردشدن به جامعه مؤمنان تنها ایمان لازم است، اما برای باقی ماندن در این جامعه عمل به شریعت خدا نیز ضرورت دارد.

پولس اغلب شریعت را در ارتباط با نجات، مسیح و رفتار مسیحی مطرح می‌کند. او درباره این سه موضوع دیدگاه‌های مشخص و روشنی دارد که می‌توان از آنها در تبیین معنای مورد نظر پولس درباره شریعت سود جست. هنگامی که سخن از پاکی و درستی، عدالت و نجات در میان است، پولس بر مسیح تأکید می‌کند و برای اینکه کافی نبودن شریعت برای نجات را توجیه کند، آن را با گناه، مرگ و جسم پیوند می‌دهد. اما آنجا که بحث عمل و رفتار مؤمنان به مسیح مطرح می‌شود، پولس به شریعت متوسل شده و بر آن تأکید می‌کند. او شریعت را فی‌نفسه خوب می‌داند و هدف آن را تنظیم زندگی مؤمن بر اساس ایمان معرفی می‌کند. در دیدگاه پولس یک مفهوم مهم درباره شریعت به عنوان راهنمای عملکرد انسان همواره وجود دارد: نافرمانی از شریعت، مجازات و اطاعت از آن پاداش را به همراه خواهد داشت. در واقع، تقابل میان ایمان و اعمال یا مسیح و شریعت تنها در امر نجات است، اما در این که نجات یافتگان چگونه باید رفتار کنند، دیگر تقابلی بین ایمان و اعمال وجود ندارد. آنها بر اساس ایمانشان، شریعت را برپا می‌دارند.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۴ق.
- بارکلی، ویلیام، *تفسیر العهد الجدید*، مصر، دارالتقافه، ۱۹۸۲.
- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، بی‌جا، انجمن جهانی کتاب مقدس، ۱۳۷۴.
- تیسن، هنری، *الهیات مسیحی*، ترجمه: ط. طه، س میکائیلین، تهران، انتشارات حیات ابدی، بی‌تا.
- کونگ، هانس، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴. - محمدیان، بهرام و دیگران، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، تهران، روز نو، ۱۳۸۰. - مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- هیل، توماس، تورسون، استیفان، *تفسیر کاربردی عهد جدید*، ترجمه: آرمان رشدی، فریبرز خندانی، ویرایش: ساروخاچیکی، بی‌جا، بی‌تا. ۲۰۰۱.
- هیلنز، جان. آر، فرهنگ ادیان جهان، علی پاشایی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴

-Aquinas, Thomas, *Summa Theologica*, First Part of the Second Part, Translated by the Fathers of English Dominican Provinces, and from the works of John Duns Scotus and Arranged and edited by Jerome of Montefortino, 2006.

-Barth, Karl, *The Epistle to the Romans*, E. C. Hoskyns(trans.), London, Oxford University Press, 1933.

-Bayes, Jonathan F., *The threefold division of the law*, Newcastle, published by: The Christian Institute, 2004.

-Benner, Jeff A., "Salvation", *Ancient Hebrew Dictionary*. Topics>>Hebrew Word Studies>>, 1999.

-Bromiley, G. W., "Law in the New Testament: III. Law in the Epistles", *The International Standard Bible Encyclopedia*, Published by Wm. B. Eerdmans. 1939.

-Buttrich, G. A., *The Interpreter's Bible*, The United States of America, Edited by: George Arthur Buttrich, 1995.

-Dunn, James D. G., *Jesus, Paul, and the Law: Studies in Mark and Galatians*, First published in Britain, by SPCK, 1999.

-Dunn, James D. G., "Works of Law and the Curse of the Law"(Galatians 3.10- 14)", *New Testament Studies*, vol. 31, 1985, p.524-542.

-Dunn, James D. G., *The Theology of Paul the Apostle*, Wm. B.

- Eerdmans Publishing Company, Michigan Cambridge, 1998.
- Gaston, Lloyed, "Paul and Torah", *Anti-Semitism and the Foundations of Christianity*, New York, Paulist Press, 1979.
- Hennessey, J., "Good Works", *New Catholic Encyclopedia*, Washington Galf Group Staff in Association with The Catholic University of America, Washington, vol.12, 2019, p.623.
- Hubner, Hans, Riches, John, *Law in Paul's Thought*, Published by T&T Clark International A Continuum Imprint The Tower Bulding, NewYork, 1986.
- Kung, Hans, *Great Christian Thinkers*, John Bowden (trans.), Printed in the United States of America, 1994.
- Luther, Martin, *Commentary on the Epistle to the Galatians*, T. Graebner (trans.), Pennsylvania, 2013.
- McGrath, Alister, *Christian Theology Reader*, Edited by: Alister McGrath, Anniversary Fifth Edition, 2017.
- Sanders, E.p., *Paul and the Law and the Jewish People*, Philadelphia, Fortress Press, 1983.
- Schreiner, Thomas R., Jul., "Works of Law in Paul", *Novum Testamentum*, vol. 33, Fasc.3, Published by: Brill, 1985, pp. 217-244.
- Smart, Ninian, "Soteriology", *The Encyclopedia of Religion*, Macmillan Reference U.S.A, Editor in Chief: Lindsay Jones, Thomson Gale, 1987.
- Tischler, N. M., *All Things in the Bible: An Encyclopedia of the Biblical World*, Illustrator: Ellen Johnston McHenry, London, Greenwood Press, 2006.
- Tyndale, William, *Paul and the Law (1Corinthians 15/1-4; Romans 4/4 -5)*, Printed by: Don Samdahl, 2015.